

کاربرد هنری و ادبی و دینی حروف مقطعه قرآنی در اشعار عرفای شاعر

غلامرضا حیدری*

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۸

چکیده

شاعران و نویسندگان از یک طرف با عنایت به شکل و حالت و ویژگی حروف الفبای پارسی و از طرف دیگر با تکیه بر ارزش‌های دینی و مذهبی و اجتماعی حروف مقطعه قرآنی که مشترکات فراوانی با هم دارند، دست به مضمون‌آفرینی‌های بکری می‌زنند و با خلق ترکیبات و عبارات و تعابیر و تصاویر نغز، از این علائم ظاهری حروف به نحو مطلوب بهره می‌برند. با توجه به اهمیت و جایگاه حروف، چه حروف مقطعه قرآنی و چه الفبای پارسی، در این مقاله سعی کرده‌ایم با ارائه شواهد شعری و نثری از ساختارها و کاربردهای مشترک و مختلط هنری و ادبی و دینی هردو مقوله حروف، در ادب پارسی، جایگاه این حروف را در خلق تعابیر و مضامین ادب پارسی به‌ویژه در اشعار عرفای شاعر بیش‌تر بنمایانیم.

کلیدواژگان: حروف مقطعه، حروف الفبا، ادبیات پارسی، تفاسیر.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران (استادیار).

مقدمه

در ادب پارسی، در بیش تر موارد، پرداختن و توجه به باورها و اعتقادات مذهبی و اجتماعی از ارکان اصلی شعرا و نویسندگان در خلق مضامین و مفاهیم نغز آثار ادبی است. یکی از این خمیرمایه‌های بنیادین دینی و عرفانی و اعتقادی و اجتماعی در ادب پارسی، حروف مقطعه و جایگاه منیع آن است. حروف نمادین و رمزآلود مقطعه، که بخشی از سخنان خداوند سخن آفرین را در قرآن کریم در بر دارد و هر شنونده و خواننده‌ای را مسحور عظمت و اعجاز و متانت خود می‌کند، چنان بر خوانندگان و شنوندگانش تأثیر گذاشته که از دیرباز تا کنون کم‌تر شاعر و نویسنده‌ای را در پهنه ادب پارسی می‌توان یافت که با استمداد از جایگاه لفظی و معنوی این حروف و آیات، به مضمون پردازی نپرداخته باشد. هرچند پهنه ادب پارسی، خود، جولانگاه اندیشه‌های اعتقادی، دینی، مذهبی و عرفانی شاعران و نویسندگان بزرگی است اما هرگاه جلوه‌های هنری و ادبی و شاعرانه حروف الفبا، به‌ویژه حروف رمزآلود و مقدس مقطعه قرآنی، با این تفکرات و اندیشه‌ها درمی‌آمیزد، ساختار و ترکیبات برساخته دستوری و ادبی و هنری و بلاغی کاملاً دینی و مذهبی و اعتقادی ارائه می‌دهد که به غنای ادب پارسی کمک شایانی می‌نماید.

اهمیت و بیان مسأله

بازتاب گوناگون و فراوان حروف مقطعه به همراه نظرات و اعتقادات متعدد مربوط بدان، علاوه بر اینکه فضایی هنری و ادبی از بازی با حروف و حروف‌گرایی را ایجاد می‌کند و تصاویر و مضامینی بکر و نغز را می‌آفریند، ارزش و اعتبار این حروف را فزونی می‌بخشد. شاعران و نویسندگان از یک طرف با عنایت به شکل و حالت و ویژگی حروف الفبای پارسی و از طرف دیگر با تکیه بر ارزش‌های دینی و مذهبی و عرفانی و اجتماعی حروف مقطعه قرآنی که مشترکات فراوانی با هم دارند، دست به مضمون‌آفرینی‌های بکری می‌زنند و با خلق ترکیبات و عبارات و تعابیر و تصاویر نغز از این علائم ظاهری حروف به نحو مطلوب بهره می‌برند و وقتی این تصاویر، مضامین، تعابیر و ترکیبات برساخته از حروف رمزآلود مقطعه قرآنی و حروف الفبای پارسی با چاشنی ایهام و جناس

و دیگر آرایه‌های ظریف ادبی و نیز نکات نغز عرفانی می‌آمیزد، ملاحظت و سلاست آن بیش‌تر می‌شود.

با توجه به اهمیت و جایگاه حروف، چه حروف مقطعه قرآنی و چه الفبای پارسی، در این مقاله سعی کرده‌ایم ضمن گذری کوتاه به اعتقادات و دیدگاه‌های مفسران و قرآن‌پژوهان و محققان دینی و مذهبی نسبت به حروف مقطعه قرآنی، با ارائه شواهد شعری و نثری از ساختارها و کاربردهای مشترک و مختلط هنری و ادبی و دینی هر دو مقوله حروف، در ادب پارسی، جایگاه این حروف را در خلق تعابیر و مضامین در دو سطح و منظر دینی- اعتقادی و ادبی بیش‌تر بنمایانیم.

پیشینه تحقیق

در خصوص حروف مقطعه و جایگاه دینی و مذهبی و اعتقادی آن در قرآن کریم، در تفاسیر و کتب و مقالات تحلیلی و پژوهشی دینی، مطالب فراوانی بیان شده است و هر یک به نوبه خود به گونه‌ای سعی در رازگشایی این حروف رمزآلود قرآنی داشته‌اند؛ برخی در ارائه نکاتی تازه و نغز موفق بوده‌اند، مطالب برخی هم تکراری و برگرفته از دریافت‌ها و آموزه‌های دیگران بوده است، برخی نیز با وجود تلاش‌های فراوان راه به جایی نبرده‌اند و در عالم حدسیات و گمان، سخنان رازآلود و دور از ذهنی را ارائه داده‌اند. از این میان می‌توان به تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر محمدحسین طباطبایی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ «تفسیر نمونه»، اثر ناصر مکارم شیرازی و همکاران، انتشارات دارالکتب اسلامیه؛ «تفسیر نور»، اثر محسن قرائتی، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛ «کتاب الجامع لأحكام القرآن»، اثر محمد بن احمد قرطبی، انتشارات ناصر خسرو؛ تفسیر «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، اثر فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو؛ کتاب «الاتقان فی علوم القرآن»، اثر جلال‌الدین سیوطی، انتشارات امیرکبیر و مقاله «حوزه معنایی حروف مقطعه در قرآن کریم»، به قلم سید مهدی لطفی در فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، شماره اول، سال ۱۳۹۱ و چندین کتاب و مقاله پژوهشی دیگر اشاره کرد که بیش‌تر جنبه دینی و مذهبی دارند.

با توجه به اینکه در ادبیات پارسی نیز این حروف به واسطه جایگاه ادبی و دینی، بازتاب بسیار وسیعی دارد و کم‌تر شاعری را سراغ داریم که در این زمینه به مضمون‌آفرینی دینی و ادبی و هنری و حتی ارائه ظاهری آن حروف در مقام فضل و مباحث نپرداخته باشد، محققان ادبی به صورت جسته و گریخته و پراکنده و مختصر در خلال تحشیه‌ها و تعلیقات و شرح‌های ادبی بر آثار بزرگان ادب پارسی، به تبیین و تشریح جایگاه دینی و ادبی حروف پرداخته‌اند، اما به صورت مطلبی منسجم و کلی در این خصوص تحقیق و پژوهشی انجام نگرفته است. این مقاله با نگرشی کلی بر غالب آثار ادبی و بیان ارزش دینی و مذهبی حروف مقطعه و هنر آمیختگی و ترکیب و تناسب آن با حروف الفبا و بازتاب آن در ادبیات پارسی، به همراه ارائه شواهد شعری و نثری متعدد، در نوع خود یکی از تحقیقات و مقالات تازه و بکر است که سابقه‌ای در ادبیات پارسی بر آن نمی‌توان یافت.

ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجا که پهنه ادب پارسی علاوه بر جایگاه هنری و ذوقی، بستری مناسب برای انتقال آموزه‌ها و اندیشه‌های دینی و مذهبی است و تعالیم دینی و مذهبی و اجتماعی مردم یکی از هدف‌های غایی آن شمرده می‌شود و شعرا و نویسندگان هم با تلفیق زیبایی‌های هنری و ادبی و اندیشه‌های دینی و مذهبی، زمینه دریافت مفاهیم و تعالیم دینی را فراهم می‌آورند، تبیین و تشریح جایگاه حروف مقطعه از لحاظ جنبه‌های معنوی و دینی در کنار ظرایف ادبی و هنری شکل و حالت حروف در خلق مضامین و تعبیر و تصاویر هنری و ادبی، به عنوان یکی از بسترها و زمینه‌های مناسب در انتقال این مفاهیم و آموزه‌های دینی شعرا و نویسندگان، اهمیت خاصی پیدا می‌کند.

بررسی برخی از حروف مقطعه از منظر تفسیری - ادبی

حم

دو حرف ح و م. از حروف مقطعه قرآنی در ابتدای چند سوره به نام‌های دخان (۴۴)، جائیه (۴۵)، احقاف (۴۶)، غافر یا مؤمن (۴۰)، فصلت (۴۱)، زخرف (۴۳). کنایه از هر کدام

از سور مذکور و یا محتویات و حکایات آن. کنایه از کل قرآن کریم و یا محتویات و حکایات آن.

الف) از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. حم، آغاز نام‌های خداوند است: حلیم، حمید، حکیم، حی، حنان و... // حرف حا، مختصر حیات، میم، مختصر موت یا ممات است. // حم، یعنی قضاء و انجام شد آنچه بود. // خداوند با این لفظ به حلم و ملک قسم خورد. // حم بخشی از الر، حم، ن است که آن را صورت پراکنده‌ای از الرحمن می‌دانند. // حم و سور آن را گل‌های خوشبوی قرآن می‌نامند. // برخی به حوامیم جمع می‌بندند و اشتباه است اما در بعضی از اشعار آمده است.

ب) از نظر فضایل دینی و مذهبی: خواندن این سور، باعث می‌شود تا نامه اعمال به دست راست آدمی داده شود. جمیع حوایج برآورده شود. آدمی در روز قیامت همراه حضرت محمد (ص) محشور شود. از شرّ و آفات آدمی در امان باشد. بیم و ترس این دنیا و آن دنیا را از انسان برداشته شود. تمامی امراض بدن به خصوص امراض چشم، رفع شود. گناهان مورد بخشش قرار گیرد. خواندن و دمیدن این سور، باعث افزایش رزق و روزی می‌شود. خواندن این سور، رافع گرفتاری است. رافع فشار قبر و زیان حشرات است. هر کس این سور را بنویسد و نگه دارد خیر و برکت و ثواب این دنیا و آن دنیا زیاد می‌شود. هر کس در هر شب به خصوص شب جمعه این سور را قرائت کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد و آخرتش را بهتر از دنیایش قرار می‌دهد (ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۸۹ - ۲۱۱).

حا میم عین سین قاف (حمعسق)

پنج حرف ح، م، ع، س، ق. // از حروف مقطعه قرآنی در آغاز سوره‌ای به نام شوری (۴۲). // کنایه از سوره شوری و یا محتویات و حکایات آن. // کنایه از کل قرآن کریم و یا محتویات و حکایات آن.

الف) از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // عین، اشاره به عیسی، سین، اشاره به سلیمان و یا سماوات، قاف، اشاره به قیامت دارد. // حا، اشاره به حربه، میم، اشاره به تحویل ملک، عین، اشاره به عدوی است که شکست خواهد خورد،

سین، اشاره به استیصال و گرفتاری مردم به سال‌های قحطی است، مانند سال‌هایی که حضرت یوسف(ع) پیش‌بینی کرد. // معنایش حلم و مثنی(ثواب دهنده) و علم و سمیع و قادر است. // حاء، اشاره به الرحمن، عین، اشاره به علیم، سین، اشاره به قدوس، قاف، اشاره به قادر دارد.

ب) از نظر فضایل دینی و مذهبی: هر کس این سوره را نوشته و همراه خود نماید از همه خطرها و نیز از شر شیاطین و همه مردم در امان خواهد بود و از نعم بهشتی برخوردار می‌شود. هر کس این سوره را تلاوت کند فرشتگان بر او درود می‌فرستند و بعد از مرگ بر او رحمت نازل می‌کنند. امراض چشم را شفا می‌دهد. باعث افزایش روزی می‌شود. باعث نورانی شدن صورت می‌شود(ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۹۵ - ۱۹۸).

ایا من عشق خدیبه یذیب الف حور العین

هواه کاشف البلوی کعسق او یاسین

مولوی

ص

حرف ص. // از حروف مقطعه قرآن کریم در آغاز سوره‌ای با این نام. // کنایه از سوره ص(۳۸) و یا محتویات و حکایات آن. // کنایه از کل قرآن کریم و یا محتویات و حکایات آن.

الف) از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // طبق تفاسیر، نام چشمه‌ای است که از زیر عرش می‌جوشد و رسول خدا(ص) در شب معراج از آن وضو گرفت. // اولین آیه آن ص و القرآن است که معمولاً سوره صاد به این نام نیز نامیده می‌شود.

ب) از نظر فضایل دینی و مذهبی: هر کس در شب جمعه این سوره را تلاوت کند خیر و ثواب و مزد دنیا و آخرت نصیب او می‌شود(ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۸۳ - ۱۸۵).

ج) از نظر ادبی و هنری: برخی از آیات این سوره، بر اساس اهمیت کلامی، اعتقادی، محتوایی، بیانی و بلاغی، با جلوه‌های هنری اقتباس و درج و تلمیح و... در بیان مصادیق

و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان بیش تر مورد توجه بوده‌اند. // با ساختاری هنری و ادبی ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی و توجه به شکل و حالت این حرف، با ایهام به شکل و حالت شبیه به چشم حرف صاد، در ادبیات از آن به چشم تعبیر می‌کنند.

به خال طرفه نون و به چشم شاهد صاد به زلف پر خم یاسین و طره طاهها
عطار

طا سین

دو حرف ط، س. // از حروف مقطعه قرآنی در آغاز سوره‌ای به نام نمل (۲۷). // کنایه از سوره نمل و محتویات و داستان‌های آن. // کنایه از کل قرآن کریم و محتویات و داستان‌های آن.

الف) از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // مفسران معنای آن را انا طالب السميع (منم طالب شنوا) می‌نویسند. // ط، اشاره به لطیف، سین، اشاره به سمیع دارد. // ط، اشاره به طول، سین، اشاره به سناء حق دارد. // جمع آن ذوات طس است نه طواسین که اشتباه است. // کنایه از لفظ طاس.

ب) از نظر فضایل دینی و مذهبی: هر کس این سوره را در شب‌های جمعه قرائت کند از اولیا و دوستان خدا شمرده می‌شود. رنج و سختی در دنیا به او نمی‌رسد و نعمت‌های بهشتی به او عطا می‌گردد. در بهشت با پیامبران و فرستادگان خدا همنشین می‌شود (ن. ک: نور محمدی، ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۴۷).

آن که طاهها طهارتش داده آنکه طاسین امارتش داده
سنایی

طاها

دو حرف ط، ه. // از حروف مقطعه قرآن کریم در آغاز سوره‌ای با این نام. // کنایه از سوره طه (۲۰) و محتویات و حکایات آن. // کنایه از کل قرآن کریم و محتویات و حکایات آن.

(الف) از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // طه اسم فعل است به معنی آرام کن. // کنایه از حضرت رسول اکرم (ص). // کنایه از آل حضرت رسول اکرم (ص). // طه، مختصر کلمه طور، ها، مختصر کلمه هدایت است. // طه، اشاره به طهارت اهل بیت دارد. // به معنی یا رجل (ای مرد) است. در پاره‌ای از اشعار عرب نیز به کلمه طه برخورد می‌کنیم که مفهومی شبیه یارجل و یا نزدیک به آن دارد. // معانی آن را طالب الحق، الهادی الیه (ای کسی که طالب حقی، و هدایت‌کننده به سوی آنی) یا طأ الارض بقدمیک در حق پیامبر اکرم بیان کرده‌اند. // مرکب از دو حرف رمزی است.

(ب) از نظر فضایل دینی و مذهبی: خداوند این سوره را دوست دارد و هر کس آن را تلاوت کند خداوند او را نیز دوست می‌دارد. هر کس این سوره را تلاوت کند نامه اعمالش به دست راست داده می‌شود. مشکلاتش رفع می‌شود. باعث فراوانی رزق و روزی می‌شود. در روایات آمده است که عمر (فاروق) با استماع تلاوت سوره طه تحت تأثیر قرار گرفت و اسلام آورد (ن. ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۵-۱۱۷).

(ج) از نظر ادبی و هنری: برخی از آیات این سوره، بر اساس اهمیت کلامی، محتوایی، اعتقادی، بیانی و بلاغی، با جلوه‌های هنری اقتباس و درج و تلمیح و ... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان بیش‌تر مورد توجه بوده‌اند. // با ساختاری هنری و ادبی، ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی با توجه به شکل و حالت گرد و مدور و شکنج و خمیده حروف ط و ه، در طه، و ترکیب حرف ط و ه در لفظ طره، و تشابه حرفی طره با طه، از حرف ط و ه و ترکیب آن‌ها، با بیانی هنری، طره و زلف و مو را اراده کرده است.

با توجه به شکل و حالت خاص حرف طا و ها و شباهت آن به چشم و گردی صورت، از آن چشم و روی و صورت را نیز اراده کرده‌اند. بر این اساس حلقه روی به ایهام هم می‌تواند اشاره به گردی و حلقه مانندی روی و صورت داشته باشد و هم به کنایه زلف حلقه مانندی که بر روی می‌افتد و از آن به حلقه روی تعبیر می‌کنند، مدّ نظر باشد. عقد گیسو و خطوط تمغا و یرلیغ و طغرا نیز از دیگر تعبیر برگرفته از شکل حلقه و شکل گره مانند طا و ها است.

برگ دار گلبنت طاها و بیخش والضحا

بار او یاسین و شاخس سر به او آدنی زند

سنایی

هر که بینا شد خدا را دید او سوره طاها ز حق بشنید او

عطار

ق

حرف ق // از حروف مقطعه قرآن کریم در آغاز سوره‌ای با این نام // کنایه از سوره ق (۵۰) و محتویات و حکایات آن // کنایه از کل قرآن کریم و محتویات و حکایات آن. الف) از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد // اشاره به قدرت الهی است در پادشاهان زمین // اشاره به اسماء الله مثل قادر و قیوم است // اشاره به جبل قاف دارد که محیط به دنیا است // مختصر قیامت است، چراکه مضامین سوره ق درباره قیامت است // اولین آیه آن ق و القرآن است که معمولاً سوره قاف به این نام نیز نامیده می‌شود.

ب) از نظر فضایل دینی و مذهبی: خواندن این سوره، باعث افزایش روزی می‌شود. باعث بینا شدن چشم کور می‌شود. باعث می‌شود که نامه اعمال به دست راست داده شود. جان کندن را راحت می‌کند. بیماری و مشکلات را رفع می‌کند. آدمی را از شرّ شیطان محفوظ می‌دارد. باعث افزایش شیر مادر می‌شود (ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۵-۲۲۶).

ز گل قمری خوش الحان همی خواند همه شب ق و القرآن همی خواند

عطار

کاف ها یا عین صاد (کهیعیص)

پنج حرف ک، ه، ی، ع، ص // از حروف مقطعه قرآن کریم در آغاز سوره‌ای به نام مریم (۱۹) // کنایه از سوره مریم و محتویات و حکایات آن // کنایه از کل قرآن کریم و محتویات و حکایات آن.

الف) از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // بر اساس نظر برخی از مفسران کاف، اسم کربلا، ها، هلاک و شهادت عترت رسول (ص)، یا، یزید لعنت الله علیه، عین، عطش آن حضرت و صاد، صبر او است // اشاره به اسماء حسنی از قبیل کافی و هادی و غیره. // مفسران، معنای آن را انا الله هادی و ولی و صادق الوعد می نویسند. // کاف، اشاره به الکریم، ها، اشاره به الهادی، یا، اشاره به الحکیم، عین، اشاره به العلیم، صاد، اشاره به الصادق دارد. // کاف، اشاره به کریم، ها، اشاره به هادی، یا، اشاره به یقین، عین، اشاره به علم، صاد، اشاره به صادق دارد. // این سوره به صورت کاف، کاف، کاف یا ها، نیز نامیده و خوانده می شود.

ب) از نظر فضایل دینی و مذهبی: هر کس در خواندن این سوره مداومت کند خداوند آنقدر از مال دنیا بر او عطا می کند که بی نیاز می گردد. در آخرت از یاران حضرت عیسی (ع) شمرده می شود و سلطنتی مثل سلطنت حضرت سلیمان در دنیا، در آخرت خواهد داشت. هر کس این سوره را بنویسد و نگه دارد از بلاها و بدی ها و آزارها و گرفتاری ها در امان می ماند. باعث گشایش در رزق و روزی می شود. رافع سردرد و امراض است. رافع ترس و خوف است (ن. ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۱-۱۱۴).

از آن لب شکرینت بهانه های دروغ به جای فاتحه و کافها و یاسین است مولوی

نون (ن)

حرف ن. // از حروف مقطعه قرآن کریم در آغاز سوره ای با نام ن یا قلم. // کنایه از سوره ن و یا قلم (۶۸) و محتویات و حکایات آن. // کنایه از کل قرآن کریم و محتویات و حکایات آن. // اولین آیه آن ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾: «نون و قسم به قلم و آنچه می نویسد» است که معمولاً سوره نون، «ن والقلم» نیز نامیده می شود.

الف) از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // نون، نام دیگری است از سوره ن والقلم // در اصطلاح صوفیه، نون عبارت از علم خدای متعال است در حضرت احدیت و قلم حضرت تفصیل است. // نون با توجه به تلمیح داستانی، کنایه از حضرت یونس و آن ماهی ای است که حضرت یونس مدتی در شکم آن قرار گرفت. // با

عنایت به معنی نون، نون، اشاره به هر ماهی دریایی دارد. // اسم آن ماهی ای است که زمین بر روی آن قرار دارد. // حرفی از حروف الرحمن است. // نون، کنایه از دوات است. // نون، اشاره به لوحی از نور دارد. // نون، اشاره به نهری بهشتی دارد. // نون، اشاره به نور دارد. // نون، اشاره به ناصر دارد. // ن والقلم، یعنی حرف ن و لفظ قلم. // ن والقلم به گفته صوفیه نون، علم الهی و قلم، عقل اول است.

ب) از نظر فضایل دینی و مذهبی: خواندن این سوره، آدمی را از فقر و تنگدستی نجات می‌دهد. فشار قبر را از او می‌گیرد. درد او را تسکین می‌دهد. ان یکاد الذین این سوره، آدمی را از چشم زخم و نظر بد در امان می‌دارد. باعث عدم سقط جنین می‌شود. دافع بیماری‌ها و دردها و بلاها می‌شود. باعث افزایش حافظه می‌شود. مرگ را آسان می‌کند (ن. ک: نور محمدی، ۱۳۸۲: ۲۷۵-۲۷۶).

ج) از نظر ادبی و هنری: برخی از آیات این سوره، بر اساس اهمیت کلامی، اعتقادی، محتوایی، بیانی و بلاغی، با جلوه‌های هنری اقتباس و درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان بیش‌تر مورد توجه بوده‌اند. // با ساختاری هنری و ادبی ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی و توجه به شکل و حالت این حروف، با توجه به شکل و حالت خمیده و کج و ناراست حرف نون، به کجی ابرو، زلف پرشکنج و پرخم و تابدار، انحنای تیغ و شمشیر، قد و قامت خمیده، قوسی کف دست، هلال ماه، حالت سجده، خطوط کج و ناراست طغرا توجه دارد و معمولاً از سوره نون، زلف پرخم و شکنج و مجعد مراد است. با توجه نقطه حرف ن، از ن و نقطه آن به خال تعبیر می‌شود. از طرف دیگر به معنای ماهی و شکل خمیده مانند آن نیز توجه دارد. // با عنایت به شکل و حالت خمیده و کج و ناراست ن و راستی و کشیدگی و ایستایی شکل قلم، از ترکیب ن والقلم علاوه بر تقابل کجی و راستی، با بیان هنری و ادبی و با ایهام به ن والقلم قرآنی، تعابیر و کنایات نغزی در ادب پارسی خلق شده است. ن والقلم کنایه از دنیا است چراکه دوات و قلم همه از لوازم دنیاست. ن و القلم اشاره به ابرو و مژه دارد. // ن والقلم یعنی کمان و تیر است. // ن والقلم اشاره به خمیدگی در رکوع و سجود دارد. // ن والقلم اشاره به زلف پرخم و پر شکنج بر قامت رعنا و ایستاده معشوق دارد. // ن والقلم کنایه از کمان و زه است. // از ن والقلم ابرو و بینی را اراده کرده است.

قوس قدرت را تویی زه لاجرم

گشت نازل زین سبب ن والقلم

عطار

در نون و در قلم نظری کن به اعتبار

نون امر مجمل آمد و تفسیر نون قلم

قاسم انوار

یا سین (یس)

دو حرف ی، س. // از حروف مقطعة قرآن کریم در آغاز سوره ای با این نام. // کنایه از سوره یس (۳۶) و محتویات و حکایات آن. // کنایه از کل قرآن کریم و محتویات و حکایات آن.

الف) از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // از اسامی رسول خدا (ص) است. // مفسران، در معنای آن سامع الوحی ﴿والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم﴾: «ای شنوای وحی قرآن کریم به درستی که تو قطعاً از فرستادگان خدایی که بر راه راست آئی» می‌نویسند. // یاسین، اشاره به یا سید دارد. // یا، حرف نداء، سین، اشاره به سید دارد. // یاسین، اشاره به یا انسان دارد. // یا، حرف نداء، سین، اشاره به انسان دارد. // یاسین، یعنی؛ ای انسان و منظور هم، حضرت محمد (ص) و هم، آدمی است. // سین در یاسین مخفف انیسین مصغر انسان است. // یاسین از قوارع قرآن کریم است و آن‌ها عبارت‌اند از آیاتی که هر کس آن‌ها را بخواند از شیاطین و انس و جن و دیو مصون و مأمون می‌ماند. // سوره یاسین، عروس قرآن است. // سوره یاسین، قلب قرآن است. // سوره یاسین، گل خوشبوی قرآن است.

ب) از نظر فضایل دینی و مذهبی: گوش کردن به تلاوت و قرائت سوره یاسین ثواب دارد و زیاد توصیه شده است. خواندن (با لحن و صدای خوب و خوش)، حفظ کردن (بر دل نوشتن، از بر کردن)، تکرار کردن، نوشتن بر روی چیزی و نگه داشتن و دمیدن سوره یاسین به همراه سور الرحمن و الانعام و النجم و طاهها و... با خود، ثواب و پاداش فراوان دارد و نیز باعث آرامش و سکون و افزایش رزق و روزی می‌شود، و در دفع شرّ و بلا و رهایی از گرفتاری‌ها و در امان بودن از شرّ شیاطین و جن و انس و دیوانگی و امراض و چشم زخم و نظر بد و حسد و کینه و... اثربخش است. خواندن یاسین در مساجد و

اماکن مذهبی، به خصوص در شب جمعه و بر سر اموات، ثواب و پاداش فراوانی دارد. خواندن آن باعث می‌شود در روز قیامت مورد شفاعت قرار بگیرد و حساب او سبک شود. رافع فشار و عذاب قبر است. باعث می‌شود تا گمشده آدمی پیدا شود. باعث آمرزش گناهان می‌شود. ثواب دوازده مرتبه ختم قرآن را دارد. رافع وسواسی است. باعث افزایش شیر مادر می‌شود. باعث افزایش حافظه می‌شود. باعث نورانی شدن صورت می‌شود. خواندن آن بر سر فرد در حال احتضار، جان دادن او را آسان می‌کند و فرشتگان برای استغفار او نازل می‌شوند و در کفن و دفن او شرکت می‌کنند و برای او نماز می‌خوانند و او را از نعمات بهشتی بهره‌مند می‌گردانند (ن. ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۶۹-۱۷۸). «یاسین مغربی» حرزی است که با سوره یاسین و بعضی ادعیه تدوین شده است و بسیار مؤثر است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۶۹۵).

ج) از نظر ادبی و هنری: برخی از آیات این سوره، بر اساس اهمیت کلامی، اعتقادی، بیانی و بلاغی، با جلوه‌های هنری اقتباس و درج و تلمیح و ... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان بیش‌تر مورد توجه بوده‌اند. // با ساختاری هنری و ادبی ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی و توجه به شکل و حالت این حروف، با ایهام به شکل و حالت یا خمیدگی و کجی و افتادگی و واپسینی، و با ایهام به شکل و حالت سین دندان‌داری و شکنج و تیزی مدّ نظر است. // به ایهام از یاء، لب و از سین دندان را اراده کرده است و از مجموع یاء و سین لب و دندان و نیز لب خندان را اراده کرده است. // به ایهام و با تشبیه و بیانی هنری از یاسین روی و رخساره و دهان را اراده کرده است. // از باب تشبیه و از آنجا که سوره یاسین عروس قرآن است، زلف پرشکنج و تاب‌دار را که از ویژگی‌های زیبای محبوب است بدان نسبت می‌دهند؛ زلف آشفته و زیبای یاسین. البته در این تشبیه توجهی هم به دندان‌های سین دارد.

کانگهی کو بیان یاسین کرد جبرئیلش ز سدره تحسین کرد

سنایی

زهی روح القدس کم‌تر غلامت

زهی طاها و یاسین نعت نامت

عطار

ترکیبات ادبی و هنری و تصویری برخی حروف مقطعه قرآنی آل (طاها، یاسین)

چون طاها و یاسین در بسیاری از تفاسیر، خود حضرت محمد(ص) هستند پس ترکیب کنایه از خاندان و امت حضرت پیامبر(ص) و مسلمانان است(ر.ک. یاسین و طاها).

بندگی کن آل یاسین را به جان تا روز حشر
همچو بی‌دینان نباید روی اصغر داشتن

سنایی

مبین خود دشمنان آل یاسین

اگر از جام او نوشی نقی بین

عطار

آن که اسم او الف لام است

به کنایه اشاره به لفظ و کلمه الله دارد که با حروف الف لام شروع می‌شود.

بخوان لا تسجدوا للشمس و امر ذات حق دریاب

که فرمود اسجدوا آن را که اسم او الف لامی است

نسیمی

از آخر یاسین، صیحه فاذا خواندن

این ترکیب اشاره به سه آیه ۲۹، ۴۹، ۵۳ سوره یاسین دارد: ﴿إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَاذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾ (آیه ۵۳): «جز یک بانگ سهمناک نخواهد بود که همه نزد ما حاضر می‌آیند». // ﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ﴾ (آیه ۴۹): «اینان در انتظار یک بانگ سهمناک هستند تا بدان هنگام که سرگرم ستیزه هستند فرو گیردشان». // ﴿إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَاذَا هُمْ خَامِدُونَ﴾ (آیه ۲۹) «جز یک بانگ سهمناک نبود که ناگاه همه بر جای سرد شدند» (یس / ۲۹، ۴۹، ۵۳). این ترکیب، با تکیه بیش‌تر بر آیه ۵۳ از این سوره، کنایه از بیدار شدن و از خواب غفلت رها شدن است.

بخوان از آخر یاسین که صیحه فاذا تو هم به بانگی حاضر شوی ز خواب غرور
مولوی

از طا و ها طره را پیچ و خم دادن

با ترفندی هنری، ضمن توجه به حروف مقطعه ط و ه، در طه، و با توجه به شکل و حالت گرد و مدور و شکنج و خمیده این حروف، و ترکیب حرف ط و ه در لفظ طره، و تشابه حرفی طره با طه، از حرف ط و ه و ترکیب آن‌ها، طره و زلف و مو را اراده کرده است. ترکیب، علاوه بر تداعی سوره طه، کنایه از آشفته و پریشان کردن زلف و موی پرشکنج است که از محسنات محبوب و معشوق است.
لب از یا و دندان ز سین چون نمود زد از طا و ها طره را پیچ و خم
نور علیشاه اصفهانی

از ن و القلم مشرف گشتن

از نون و القلم به مجاز، کل قرآن کریم را اراده است و ترکیب، کنایه از شرافت و بزرگی یافتن به واسطه خواندن و توجه به قرآن کریم است.
تا مشرف گردی از ن و القلم تا بکارد در تو تخم آن ذوالکرم
مولوی

از در طاها در آمدن

از آنجا که طاها هم می‌تواند اشاره به سوره طه و در کل قرآن کریم داشته باشد و هم به خود پیامبر، ترکیب ظاهراً به دو معنی قابل تعبیر است؛ اول کنایه از توجه به سوره طاها و آموزه‌های آن و در نهایت قرآن کریم است که با ذکر آیه ۵ از این سوره در مصرع اول ارجح به نظر می‌رسد، دوم کنایه از توجه به پیامبر و رو آوردن به او و توجه به آموزه‌های او و توسل جستن به اوست.
گر ز الرحمن علی العرش استوی داری خبر از در طاها در آ ای طالب رب رحیم
نسیمی

الف لام و عصا

ظاهراً ضمن توجه به حروف مقطعه الف و لام و تعابیر مربوط به آن، به آیه ۶۰ از سوره بقره: ﴿إِذَاسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا﴾: «آنگاه که موسی برای قوم خود آب خواست، گفت: عصایت را بر آن سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن بگشاد» نیز اشاره دارد.

این الف لام میم و حا میم این حروف چون عصای موسی آمد در وقوف مولوی

امت یاسین

چون یاسین در بسیاری از تفاسیر، خود حضرت محمد(ص) هستند، پس ترکیب کنایه از خاندان و امت حضرت پیامبر(ص) و مسلمانان است(ر.ک یاسین).

آن باده انگوری مر امت عیسی را وین باده منصوری مر امت یاسین را مولوی

ترکیب حا میم کتاب

کنایه از حروف مقطعه حا میم در کتاب قرآن کریم است که برتر از دیگر حروف ظاهری است.

همچنان ترکیب حامیم کتاب هست بس بالا و دیگرها نشیب

مولوی

چشم شاهد صاد

با یک ترفند هنری، ضمن توجه به حرف مقطعه ص، از آنجا که ص از نظر شکل و حالت، شبیه چشم است و آن را به چشم مانند می‌کنند، در ترکیب چشم شاهد صاد، به چشم زیبای صاد نیز اشاره دارد(ر.ک ص).

به خال طرفه نون و به چشم شاهد صاد به زلف پر خم یاسین و طره طاها عطار

نتیجه بحث

با بررسی دامنه کاربرد تصویری و هنری و ادبی حروف مقطعه قرآنی در اشعار عرفای شاعر، مشخص شد اکثر عرفای شاعر در این زمینه نیز به خلق مضامین و تعابیر و ترکیبات نغز پرداخته‌اند. از میان حروف مقطعه قرآنی، یاسین بیش‌تر از دیگر حروف مورد توجه این شعرا بوده است، و مولوی و سنایی از جمله شعرایی هستند که بیش از دیگران از یاسین در مضامین و تعابیر و ترکیبات دینی و ادبی و عرفانی بهره جسته‌اند. حروف مقطعه طاها و نون از دیگر حروف مورد توجه این شعرا بعد از یاسین است. در این میان عطار، سنایی و شاه نعمت‌الله ولی به ترتیب بیش‌تر به این حروف توجه داشته‌اند. حروف مقطعه حامیم و الف لام میم از دیگر حروفی است که بعد از حروف ذکرشده بالا مورد توجه عرفای شاعر قرار گرفته است. مولوی به حامیم بیش‌تر از دیگران پرداخته‌اند و نسیمی نیز به الف لام میم بیش‌تر از دیگران توجه داشته‌اند. ق بعد از حروف مقطعه بالا در ردیف پرکاربردترین حروف مقطعه به حساب می‌آید و عطار بیش از دیگران توجه بدان داشته است. حروف مقطعه دیگری چون صاد، طا سین، کاف‌ها یا عین صاد، علاوه بر اینکه کم‌تر در ادبیات پارسی بازتاب داشته‌اند و تعداد آن از انگلستان دست هم فراتر نمی‌رود، به ترتیب بیش‌ترین کاربرد را در اشعار عرفای شاعر داشته‌اند. در کل در بین این شعرایی که در این خصوص مورد بررسی قرار گرفت مولوی، عطار، سنایی، نسیمی، شاه نعمت‌الله ولی، به ترتیب از جمله شاعرانی هستند که از حروف مقطعه با تکیه بر ارزش‌های دینی و مذهبی و عرفانی در خلق مضامین و تعابیر ادبی و دینی و عرفانی بهره فراوان برده‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- بازرگان، عبدالعلی. ۱۳۷۹ش، **حروف مقطعه قرآن**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ثروت، منصور. ۱۳۷۵ش، **فرهنگ کنایات**، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- خلف تبریزی، محمد حسین. ۱۳۶۲ش، **برهان قاطع**، به اهتمام معین، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **لغتنامه**، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا و دانشگاه تهران.
- سجادی، سیدجعفر. ۱۳۶۲ش، **فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی**، چاپ اول، تهران: طهوری.
- سجادی، سید ضیاء. ۱۳۷۴ش، **فرهنگ لغات و تعبیرات خاقانی**، چاپ اول، تهران: زوار.
- سنایی، مجدود بن آدم. ۱۳۷۴ش، **حدیقة الحقیقة وشریعة الطریقة**، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۳۷۷ق، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، تهران: انتشارات اسلامیة.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: منشورات جامعة المدرسین فی الحوزة العلمیة.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۹۳۵م، **جامع البیان فی تأویل القرآن**، قاهره: انتشارات مصطفی البابی.
- عطار، فریدالدین. ۱۳۳۸ش، **اسرارنامه**، به اهتمام صادق گوهرین، تهران: صفی علیشاه.
- عقیفی، رحیم. ۱۳۷۳ش، **فرهنگ نامه شعری**، چاپ اول، تهران: سروش.
- فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، **التفسیر الکبیر**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قاسم انوار، معین الدین. ۱۳۳۷ش، **کلیات قاسم انوار**، تصحیح سعید نفیسی، تهران: سنایی.
- مولوی. ۱۳۷۲ش، **مثنوی معنوی**، به تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: مولی.
- نسیمی، عمادالدین. ۱۹۷۲م، **دیوان نسیمی**، به تصحیح حمید محمدزاده، باکو: نشریات دولتی آذربایجان.
- نور علی شاه اصفهانی، محمدعلی. ۱۳۸۱ش، **دیوان نور علی شاه اصفهانی**، به تصحیح جواد نوربخش، تهران: یلدا قلم.
- نور محمدی، محمد حسین. ۱۳۸۲ش، **فضایل قرآن**، چاپ سوم، قم: جامعة القرآن الکریم.
- ولی کرمانی، شاه نعمت الله. ۱۳۷۴ش، **دیوان شاه نعمت الله ولی کرمانی**، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: نگاه.